



حمید پارسانیا: هیچ نسبتی بین فقه و دانش اجتماعی مدرن وجود ندارد

عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت: عدم تبیین رابطه فقه و علوم اجتماعی، برای حوزه و دانشگاه و نظام علمی و جهان اسلام آسیب هایی را بر جا خواهد گذاشت.

عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت: عدم تبیین رابطه فقه و علوم اجتماعی، برای حوزه و دانشگاه و نظام علمی و جهان اسلام آسیب هایی را بر جا خواهد گذاشت.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست علمی با موضوع «جایگاه فقه در علم اجتماعی مسلمین» با سخنرانی حجت الاسلام حمید پارسانیا و به همت انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه، در ساختمان انجمن shy&های علمی حوزه برگزار شد.

حجت الاسلام حمید پارسانیا در ابتدای این نشست به پیشینه تاریخی این بحث پرداخت و گفت: رابطه فقه و علوم اجتماعی مسلمین بیش از یک دهه است که در نوشته shy&ها و نشست shy&های مختلف مورد گفتگو قرار گرفته است و امروز وقت آن رسیده که حوزه، دانش فقه را که برای حوزه هویت بخش است، در ارتباط با سایر علوم بازshy&بینی و بازshy&اندیشی کند. در تقسیم کاری که بین حوزه و دانشگاه باید باشد رابطه فقه و علوم اجتماعی مشخص نیست و قبل از همه بر حوزویان لازم است که این رابطه را تبیین کنند و عدم تبیین این رابطه برای حوزه و دانشگاه و نظام علمی ما و جهان اسلام آسیب shy&هایی را بر جای خواهد گذاشت.

استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در تبیین نسبت فقه و علوم اجتماعی گفت: سه رویکرد مدرن، پسا مدرن و جهان اسلامی در علوم اجتماعی وجود دارد که باید نسبت فقه با علوم اجتماعی با هر سه رویکرد، مورد بررسی قرار گیرد.

در رویکرد مدرن و کلاسیک به علوم اجتماعی، نسبت فقه با علوم اجتماعی نسبتی بیرونی است. به عبارت دیگر علوم اجتماعی با فقه هیچ نسبتی ندارد، البته جامعه shy&شناسی میshy&تواند سوژه باشد و فقه می shy&تواند اثره باشد، ولی اینکه عالمان علوم اجتماعی مدرن، دانش فقه را یک علم به حساب بیاورند اینگونه نیست! اساسا در این رویکرد دانش shy&های ارزشی علم به حساب نمی shy&آیند و در تفسیر پوزیتیویستی از علوم اجتماعی هیچ علمی حق ارائه گزارشshy&های تجویزی و ارزشی را ندارد و حال اینکه قلمرو فقه داور ارزشی است و فقه یک دانش تجویزی است.

وی اظهار داشت: بنا shy&بر رویکرد مدرن به علوم اجتماعی موضوع فقه علمی نیست چرا که بین دانش و ارزش مرزهای جدی وجود دارد. اساسا مبانی جامعه shy&شناسی مدرن منجر به این جدایی دانش و ارزش میshy&شود. حس shy&گرایی و تجربه shy&گرایی الزامات و محدودیت shy&هایی را برای معرفت shy&های علمی ایجاد میshy&کند که عمده shy&ترین آنها جدایی دانش از ارزش است. این الزامات و محدودیت shy&ها نتیجه تسلط جریان shy&های فلسفی حس shy&گرا و تجربه shy&گرا در نیمه دوم قرن نوزده و نیمه اول قرن بیست است.

این استاد علوم اجتماعی در نسبت فقه و علوم اجتماعی با رویکرد پسا مدرن گفت: رویکرد shy&های پسا shy&مدرن مرزهای تعریف علم را در هم شکست و معنای روشنگری را فروریخت و جریان shy&های حاشیه shy&ای جامعه علمی آن زمان این فرصت را پیدا کردند که به متن گفتگوهای جامعه علمی راه یابند و آثار و نظریات آنها وارد کلاس shy&های درسی شد. در رویکرد پسا shy&مدرن به علوم اجتماعی، معرفت علمی یک معرفت کاملا مستقل از معرفت shy&های ارزشی و متافیزیکی نیست، پس با این توصیف از علوم اجتماعی میshy&توانیم نسبت علوم اجتماعی با فقه را یک نسبت درونی بدانیم چراکه در این رویکرد ارزش shy&ها در هویت معرفت علمی دخیل هستند و هر نظام ارزشی پیش فرض shy&ها یا پارادایم shy&هایی دارد و سازه shy&های علمی متأثر از سازه shy&های معرفتی و تجویزی است. البته با تمام این توصیفات حتی در رویکرد پسامدرن به علوم اجتماعی فقه هم چنان یک علم تلقی نمی shy&شود و گزاره shy&های آن علمی نخواهد بود.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در اشتراک دو رویکرد مدرن و پسا shy&مدرن به علوم اجتماعی گفت: دو رویکرد پسا shy&مدرن و مدرن به علوم اجتماعی به رغم افتراقاتی که دارند اشتراکاتی نیز در میان این دو به چشم می

shy& خورد از جمله اینکه هر دو علم را در معنای گنتی به کار می shy&برند، یعنی معرفت علمی را معرفت آزمون shy& پذیر می shy&دانند. گویی لبه مواجهه با عینیت را فقط حس می shy&دانند و هر گزاره shy&ای که آزمون shy&پذیر نباشد به واقعیت ربطی ندارد، در این نگاه مرز عینیت و ذهنیت صرفاً آزمون shy&پذیری است.

عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) در تبیین رویکرد سوم به علوم اجتماعی و نسبت آن با فقه گفت: رویکرد سوم به علوم اجتماعی که محل بحث امروز است رویکرد جهان اسلام به علوم اجتماعی و به عبارت دیگر رویکرد متفکران جهان اسلام به علوم اجتماعی است.

در این رویکرد معرفت علمی منحصر به گزاره shy&های آزمون پذیر نیست بلکه گزاره shy&های آزمون shy&پذیر باید به گزاره shy&های غیر حسی تکیه کنند و خود این گزاره shy&های غیر حسی در علوم اجتماعی نزد عالمان جهان اسلام علم به حساب می shy&آید. در این رویکرد علم اعلی، علم کلی و متافیزیک، همه علم به شمار می shy&آیند و معرفت علمی اعم از معرفت حسی و احکام عقل عملی و عقل نظری است. البته باید بدانیم که در میان متفکرین مسلمان نیز نگاه shy&های متکثری وجود دارد اما با تمام تفاوت shy&هایی که در میان متفکران مسلمان وجود دارد هیچ کدام علم را منحصر به علوم تجربی و آزمون پذیر نمی shy&کنند. در جهان اسلام همه علما فقه را یک علم تجویزی می shy&دانند.

استاد سطوح عالی حوزه در ادامه به تفاوت های جریان shy&های فکری در جهان اسلام و تاثیر آن بر تفسیر از دانش اجتماعی پرداخت و گفت: دانش اجتماعی در نگاه جریان shy&های فکری مختلف اسلامی یکسان نیست و امروز می shy&خواهیم به نسبت فقه و علوم اجتماعی از نگاه جریان عقلی و فلسفی در جهان اسلام صحبت کنیم. فارابی در کتاب احصاء العلوم خود که علوم را طبقه بندی می shy&کند این نسبت را متذکر می shy&شود. وی علم را به معنای گزاره shy&های آزمون shy&پذیر محدود نمی shy&کند بلکه مرز علم را برهان و غیر برهان می shy&داند، اعم از اینکه برهان حسی و تجربی یا غیر حسی و عقلی باشد.

وی گفت: فارابی علوم انسانی را هستی shy&هایی که با اراده انسان ایجاد می shy&شوند می shy&داند و در تقسیم shy&بندی خود آنها را علوم مبتنی بر حکمت عملی و فلسفه عملی می shy&خواند. فارابی دوگانه علوم نظری و انسانی را در تقسیم بندی خود از علوم دارد که متافیزیک و ریاضیات جزء علوم نظری به حساب می shy&آیند و علوم انسانی را علمی می shy&داند که در موضوع انسان و براساس اراده انسان بحث می shy&کند، یعنی علوم انسانی را علم به کنش shy&های انسانی می shy&داند. در دو shy&گانه علوم مدرن ما شاهد علوم طبیعی و انسانی هستیم که متافیزیک جزء علوم انسانی به shy&حساب می shy&آید.

پارسانیا در نسبت فقه و علم اجتماعی نزد فارابی به عنوان یکی از متفکران برجسته جهان اسلام گفت: در دیدگاه فارابی علم برهان است و کار برهان همواره تبیین است، چه در گزاره shy&های ارزشی و چه در گزاره shy&های تفسیری و تجویزی، همه باید با برهان تبیین شوند. در تجویز هم ما ابنا دلایل هستیم، در نگاه فارابی تقابلی بین تفسیر و تبیین و تجویز وجود ندارد بلکه تجویز بخشی از دانش اجتماعی به حساب می shy&آید. به عبارتی فقه که یک دانش تجویزی است بخشی از دانش اجتماعی است چراکه در نگاه فارابی فقه بخشی از حکمت مدنی و فلسفه مدنی است که اینها جزوی از علوم انسانی هستند.